

میزگرد یادروز حافظ

«ضرورت و شرایط تصحیح دیوان حافظ»

دکتر حسن‌لی: سومین نشست از پنجمین دوره یادروز حافظ به شکل مرسوم میزگرد به گونه‌ی گفت‌وگو و پرسش و پاسخ است. در پیوند با شرایط و تصحیح دیوان حافظ.

پس از زمانی که هشدار مشهور «حافظ بس» داده شد، نه تنها روال تصحیح و چاپ دیوان حافظ کند نشد، بلکه بسیاری از علاقه‌مندان، صاحب‌نظران و شیفتگان حافظ، به چاپ، تصحیح و انتشار به شکل‌های گوناگون همت گماشتند. سال گذشته (۱۳۸۰)، یک میلیون و صد و سی و هفت هزار و پنجاه نسخه کتاب درباره حافظ به بازار کتاب عرضه شد که ۶۲/۶ درصد آن مربوط به چاپ دیوان حافظ بوده است. بخشی از این رقم بزرگ، بحث‌های پژوهشی و بخشی دیگر، شرح و نکته‌ها و مسائل ظریف‌تر دیوان حافظ بوده است.

در نشست امروز، نخست به این نکته خواهیم پرداخت که چه ضرورتی برای توجه به دیوان حافظ وجود دارد؟

پس از آن به بررسی این نکته خواهیم نشست که چرا آثار استاد مسلم سخن، شیخ سعدی، و یا غزلیات پرشور شمس تبریزی با این استقبال روبه رو نیستند. آیا عادت ذهنی از جمله دلایل پرداختن بیش از حد ما به حافظ نیست؟ آیا حجم دیوان، در مقایسه با دیوان سعدی و یا غزلیات شمس، سهل‌الوصول بودن آن را به ذهن متبادر نمی‌کند؟

و پرسش دیگر این که شاید شأن حافظ و بزرگی و عظمت احساس و اندیشه‌ی او باعث چنین استقبالی شده است.

اما در این لحظه در خدمت جناب آقای دکتر رواتی هستیم.

دکتر رواتی: همان طور که دکتر حسن‌لی اشاره کردند، شمارگان چاپ دیوان حافظ رو به فزونی است این کار، ضمن این که امکانات بیشتری را برای خواننده فراهم می‌کند، دشواری‌های فراوانی را برای ما متخصصان و خوانندگان عام این کتاب به وجود می‌آورد. البته خوانندگانی که فقط دوست دارند، دیوان حافظ را بخوانند؛ کاری به مصححان و ویراستاران و ناشران آن ندارند و این تجربه‌ی دیرینه‌ی بنده درباره‌ی دیگر متون هم هست، مثل دیوان ناصر خسرو و یا شاهنامه.

نسخه‌شناسی فقط و فقط، کار کسانی است که علاقمند و متخصص‌اند و دوست دارند از متن حافظ صورت‌های گوناگون کاربردهای زبانی و بیانی حافظ را داشته باشند.

پیش از هر چیز باید اشاره کنم که حافظ از نظر زبانی دشواری چندانی ندارد. آن چه که در دیوان حافظ برای ما دشواری ساخته است، دشواری‌های بیانی است. ما تا سده‌ی هشتم در حوزه‌های زبانی گوناگون‌مان اختلاف‌های زبانی زیادی داشته‌ایم.

در مثنوی دشواری‌های زبان، بسیار است، اما در آثار سعدی این مشکل را نداریم، زیرا سعدی خود پایه‌گذار زبان معیار است. پس از او، حافظ پیرو و دنباله‌رو همان زبان است چه مشکل و چه دشواری در حافظ وجود دارد که لازم می‌کند، چاپ‌های متعددی داشته باشیم؟ به اعتقاد من، اختلاف دست‌نوشته‌های مختلف، نه برای مردم عادی، بلکه فقط و فقط برای متخصصان است.

در اینجا پرسش دیگری مطرح است، این که چرا این همه به حافظ توجه می‌شود و دلیل این محبوبیت چه در ایران و چه در خارج از کشور چیست؟

به نظر من، در مجموع با توجه به مشکلات اجتماعی که از گذشته‌های دور داشته‌ایم، در دوره‌ی اول پاسخ‌گوی ما فردوسی بوده است، بعدها با افزوده شدن مشکلات و روز به روز پیچیده شدن اوضاع اجتماعی، کنار رفتن سامانیان، آمدن ترکان، چیرگی حکومت مرکزی بغداد و سپس روی کار آمدن سلجوقیان و فشار و اذیت و آزارها و بدتر از همه، حمله‌ی مغول به ایران، این مجموعه و اختناق‌های اجتماعی و درگیری‌ها و تداوم این درگیری‌ها، وجود یک زبان و بیانی جدا از زبان و بیان آشکار و صریح سعدی لازم بوده است، همه می‌دانیم که اختناق‌های اجتماعی در دوره‌ی حافظ بسیار زیاد بوده است. علت این که چرا ما به حافظ علاقه داریم، این است که حافظ حرف ما را می‌زند، آن

چه را که می‌خواهیم بگوئیم، حافظ پیشتر گفته است. این نزدیکی به حافظ، به این دلیل است که حافظ گوینده‌ای است که از طرف ما سخن می‌گوید، یعنی مطالبی را که ما می‌خواهیم به تعریض، کنایه و یا اشاره‌ای مختلف بگوئیم، همان را حافظ برای ما بیان می‌کند.

من از نسیم سخن چین چه طرف بر بندم / چه سرو راست در این باغ نیست محرم راز
و یا:

مباش غره به بازوی (بازی) خود که در خبر است / هزار تعبیه در حکم پادشاه‌انگیز
نوع این بیان اجتماعی حافظ:

صوفی شهر بین که چون لقمه شبهه می‌خورد / پاردمش دراز باد این حیوان خوش علف
آیا این‌ها همه حرف‌هایی نیست که من و شما می‌خواهیم بگوئیم، اما نمی‌توانیم این دلیل علاقه به چاپ و نشر دیوان حافظ و دوست داشتن حافظ است. به نظر من، باید صورت نهایی دیوان حافظ را یک عده کارشناس آگاه از زبان و بیان حافظ آماده کنند تا بتوانند صورت صحیحی از دیوان حافظ را داشته باشند. با توجه به این که در سال‌های اخیر تک نسخه‌هایی از دیوان حافظ تهیه و به طور جداگانه چاپ شده، این یک ضرورت است، در حقیقت نسخه دکتر مجاهد را آقای کاظم برگ‌نیس یا دیگران چاپ کردند و یک نسخه داشتند و از آن استفاده کردند. این‌ها باید وارد مجموعه‌ی دیوان حافظ بشود و کسانی این‌ها را یک‌دست کنند و به مردم تحویل دهند که به دیوان حافظ نزدیک‌تر باشند.

دکتر حسن‌لی: با تشکر از آقای دکتر رواقی خواهش می‌کنم دکتر جلالی نایینی که سال‌ها کارهای تحقیقی بر روی دیوان حافظ داشته‌اند، درباره‌ی «ضرورت و شرایط تصحیح دیوان حافظ» صحبت کنند و بگویند اگر امروز کسی بخواهد، یک بار دیگر دیوان حافظ را تصحیح کند، باید چه مراحل را پشت سر بگذارد؟

دکتر جلالی نایینی: همان طور که استحضار دارید، هر چیزی مأخذ می‌خواهد. برای این که ما بتوانیم واقعا یک دیوان کامل و بدون نقص را تهیه کرده و در دسترس مردم بگذاریم، مأخذی می‌خواهد که از طرف کسانی باشد که به زمان حافظ نزدیک باشند. قدیمی‌ترین نسخه‌ی موجود در جهان که تا امروز شناخته شده، نسخه‌ای است که در کتابخانه‌ی «ایاصوفیه» در استانبول موجود است.

این نسخه به دیوان شاعران معروف است. بیست دیوان در این مجموعه مدون شده که یکی از آنها دیوان حافظ است که در کنار حاشیه‌ی همین مجموعه نوشته شده است در سال ۸۱۳ و حافظ به طور مسلم در سال ۸۹۱ فوت کرده است و اینکه آقای قزوینی گفته‌اند، در سال ۷۹۲ اشتباه کرده‌اند. پس از وفات حافظ یار صمیمی او، محمد گلندام زندگی می‌کرد که از شعرای نیمه‌ی دوم سده‌ی هشتم و نیمه‌ی اول سده‌ی نهم بوده است. هنگامی که حافظ در دستگاه قوام‌الدین عبدالله، بود، قرآن و بعضی کتب اخبار و احادیث را خواند و شاید این ۱۴ روایت به معنی قرائت است، قرآن یک روایت بیشتر ندارد. یک کلمه در قرآن عوض نشده؛ همان طور که به پیامبر وحی و نوشته شده و در دست همه‌ی مسلمانان است.

حافظ که می‌گوید «۱۴ روایت» منظورش ۱۴ قاری است که قرآن را می‌خواندند. شاید او قرآن را نزد قوام‌الدین عبدالله و یا قبل از او خوانده باشد. محمد گلندام در مقدمه‌اش می‌نویسد: «بارها به دستگاه قوام‌الدین عبدالله می‌رفتم و از او خواهش می‌کردند در پر فواید را باید در یک عقد کشید، اما حافظ تا آخر موافقت نکرد که دیوانش را تدوین بکند و در دست مردم قرار بدهد؛ تا این که در سال ۷۹۱ درگذشت.»

پس از فوت حافظ، گلندام در شیراز نبود، چون از شاعرانی بود که به دربار امیران می‌رفت و کمی پس از مرگ خواجه به شیراز بازگشت، نخست به بارگاه حافظ رفت و فاتحه‌ای خواند که در مقدمه‌اش هم به آن اشاره کرده است.

بعد یاران حافظ از گلندام خواهش کردند که این دیوان را گردآوری کند محمد گلندام سفینه‌ی حافظ یعنی دفتری که حافظ داشته و از روی آن اشعاری می‌گفته را بدون کم و زیاد تدوین کرده است. بنابراین، نسخه‌ای که موجود است، در سال ۸۱۳ و در ۲ قسمت در شیراز و هر کدام در ۲۵۰ غزل کتابت شده است. روشن است که نسخه‌نویس این مجموعه، دو نسخه نوشته که هر یک ۲۵۰ غزل بوده است و این مجموعه‌ای است که تاریخ دارد و بهترین نسخه‌ی موجود در دنیا است که در استانبول است. در کشور خودمان هم یک کپی از آن در کتابخانه‌ی استاد دکتر اصغر مهدوی موجود است که در دسترس پژوهش‌گران قرار دارد. بعد مرحوم قزوینی در سال ۱۳۲۰ با کمک دکتر غنی شروع به حافظ تحقیقی کردند. نسخه‌ای که مرحوم خلخالی در تهران به دست آورده و چاپ کرده، قدیمی‌ترین نسخه بود و چند نسخه‌ی دیگر هم تهیه کرد که قدیمی نبودند. به نظر من، برخی از

غزل‌های این نسخه زاید است و در نسخه‌های قدیمی نبوده و حتی ممکن است مال خود حافظ نباشند. بعد مجموعه دیگری در هند پیدا شد که با کمک دکتر ندیر احمد کپی آن قسمتی که در حاشیه‌ی مجموعه است، متنش متعلق به سعدی و حاشیه، از آن حافظ است که کپی گرفته و به تهران آورده شده است. نسخه‌های دیگری هم هست که دوست گرامی و استاد بنده، دکتر سلیم نیساری، زحمت کشیدند، ده‌ها و صدها نسخه را زیر و رو کرده‌اند. به نظر من پنج، شش مجموعه است که مأخذ محسوب می‌شود. مجموعه غزل‌های حافظ در حدود ۵۰۰ غزل است و زیادتر نیست و بعضی کمتر مثلاً ۴۴۰-۴۲۰، فقط نسخه‌ی قزوینی و یک نسخه دیگر در ترکیه است که حدود ۴۹۸ غزل دارد. زیاد به حافظ توجه می‌کنند، برای این است که حافظ زبان مردم است. حافظ آنچه مردم می‌خواستند گفته است، شاعری بوده ملامتگر که هیأت حاکم را ملامت می‌کرده است، آنهایی را که ریاکاری می‌کردند، به مردم معرفی می‌کرده است. در آن دوران که اختناق بوده است و آزادی وجود نداشته، او در دیوانش اعتراض کرده است. حافظ شاعری است که هرگز کهنگی در شعر او راه نمی‌یابد، زیرا به مطالب روز توجه کرده است. اما دیگران به جز سعدی و بعضی شعرای دیگر وارد این مسائل نشده‌اند. پادشاهی بوده و به آنها پول می‌داده و شعر می‌گفتند و زبان فارسی هم ترویج می‌کردند. البته بر گردن ایران حق دارند، چرا که نگهدارنده و ترویج‌دهنده زبان پارسی بودند. اصولاً ملت ایران به زبان فارسی علاقه دارد و پس از حمله‌ی عرب به ایران و نفوذ اسلام در ایران، تا مدت‌ها از زبان فارسی کتابی نوشته نشد. اما کودکانی که با پدر و مادرشان به اسارت به کوفه و بصره رفتند، زبان فارسی را فراموش نکردند و آنجا مسلمان شدند، هر چند ایرانی باقی می‌مانند. قدیمی‌ترین تاریخی که در این باره نوشته شده، تاریخ دینوری است و دیگر، نوح‌ای است که از دهه‌ی ۶۶۵ هجری به جای مانده است. مختار، علیه بنی‌امیه قیام کرده است و تمامی قوای مختار ایرانی‌های مقیم در بصره بودند که مسلمان شدند و زبان یاد گرفتند و وقتی فرماندهی لشکر شام و فرمانده لشکر با هم روبه‌رو شدند تا مذاکره کنند، فرمانده شام به چادر مختار رفت و گله کرد که «از وقتی من به چادر تو آمدم، یک کلمه عربی به گوش من نرسید.» این‌ها همه، فارسی زبان‌هایی بودند که پدران‌شان مرزبان‌های ایران بودند و همین‌ها بودند که دشمن را سرکوب کردند. نتیجه همان شد که مسلمانان ایرانی، زبان خود را حفظ کردند؛ هر چند بنی‌امیه می‌خواست ایران را تأدیب کند، مانند مصر که زبان مصری‌های قدیم را از بین بردند. اینجا هم می‌خواستند فارسی را از بین ببرند و سرانجام در شرق امرای ایرانی که به تدریج سرکار

آمدند و شعر مدحی گفتند؛ تا رسید به دوره‌ی سامانیان که هنگام شکوفایی زبان فارسی است و شعرای بزرگی مثل شهید بلخی یا رودکی پیدا شدند و پادشاه سامانی (به ویژه منصور بن نوح) اقدام به ترجمه‌ی تفسیر محمد طبری به فارسی کرد و می‌ترسید که تکفیرش کنند او علمای ماوراءالنهر را جمع کرد و از آنها فتوا گرفت که چگونه می‌توان تفسیر طبری و قرآن را به فارسی ترجمه کنند.

دکتر حسن‌لی: با تشکر در اینجا لازم است گزارشی از «کتاب‌شناسی» سال گذشته‌ی حافظ را تقدیم‌تان کنیم.

در سال ۱۳۷۹، تعداد ۲۷۵۵۵۰ جلد از دیوان حافظ به عنوان چاپ اول چاپ شده، ۴۳۶۹۰۰ جلد به عنوان تجدید چاپ که ۴۷ عنوان کتاب چاپ اول برای دیوان و ۸۷ عنوان نیز مربوط به تجدید چاپ بوده که از این‌ها ۲۳ عنوان چاپ اول خوشنویسی و ۵۶ عنوان چاپ‌های بعدی خوشنویسی بوده است. کتاب‌هایی که درباره‌ی حافظ نوشته شده، ۱۴ عنوان کتاب، چاپ اول بوده است؛ با شمارگان ۳۷۶۰۰ جلد و درباره حافظ تجدید چاپ، ۵ عنوان شمارگان ۱۷۶۰۰ جلد، کتاب‌هایی که با محتوای شرح حافظ بوده، چاپ اول ۳ عنوان کتاب با شمارگان ۱۰۰۰۰ جلد و تجدید چاپ ۵ عنوان با ۱۵۵۰۰ جلد بوده است. گزیده‌ی اشعار چاپ اول ۳ عنوان کتاب با ۱۲۷۰۰ جلد و گزیده‌ی اشعار تجدید چاپ یک عنوان با ۳۳۰۰ جلد فالنامه حافظ چاپ اول، ۱۲ عنوان با ۹۸۱۰۰ جلد و تجدید چاپ ۲۹ عنوان با ۲۲۹۸۰۰ جلد و دیوان حافظ خوشنویسی، ۷۹ جلد بوده است. با این وضع جمع کتاب‌های منتشر شده در پیوند با حافظ در سال ۱۳۷۹ برابر ۱۹۷ عنوان کتاب و جمع کل نسخه‌های منتشر شده‌ی دیوان حافظ یک میلیون و صد و سی و هفت هزار و پنجاه (۱۳۷۰۵۰) جلد بوده است.

در این جا از شما دعوت می‌کنم به آمار جالبی توجه بفرمایید. براساس این اعداد و ارقام، دیوان حافظ ۶۲/۶ درصد بوده است، درباره‌ی حافظ ۴/۸ درصد شرح ابیات حافظ ۳/۶۴ درصد و فالنامه ۲۸/۸ درصد را به خود اختصاص داده که ۴۰ درصد مربوط به چاپ اول و حدود ۶۰ درصد چاپ دوم بوده است.

دکتر رواتی: اگر اجازه بفرمایید، می‌خواهم به نکته‌ای اشاره کنم آقای شفیع شجاعی که در این جا تشریف دارند، چند سال پیش کتابی چاپ کردند که چون این کتاب بر اساس نسخه‌های چاپی بوده

بعضی فکر می‌کنند، شاید اعتباری نداشته است، من می‌خواهم بگویم این مسأله می‌تواند در هر چاپی رخ بدهد و حافظ را برای ما دشوار کند.

پیش از این هم اشاره کردم، کسانی که می‌خواهند حافظ را بخوانند، کاری به متن حافظ ندارند و به چشم متخصص به آن نگاه نمی‌کنند. به طور عمومی، این چاپی است که بر مبنای ۲۱ نسخه‌ی چاپی دیگر است و دیگران اگر بخوانند استفاده کنند و ۲۱ نسخه را در اختیار نداشته باشند، با داشتن این کتاب، این نسخه‌ها را پیش چشم خواهند داشت، ضمن این که اختلاف ضبط‌ها و نسخه‌ها همیشه وجود داشته.

این را هم بگویم که برخی از نسخه‌های حافظ که حتی شرح حافظ از روی آن چاپ شده، از نظر علمی کوچک‌ترین ارزش را ندارد، اما مردم چون به حافظ علاقه دارند، آن را می‌خوانند. این کتاب شرح به آن صورت ندارد، اما متن ۲۱ کتاب دیگر را پیش چشم خواننده نیمه‌متخصص و متخصص قرار خواهد داد. توصیه‌ام این است آنهایی که می‌خواهند حافظ را ببینند، به جای این که ۲۱ نسخه‌ی دیگر را تهیه کنند، این نسخه را تهیه کنند.

دکتر نیساری: بنده به هیچ‌وجه نمی‌خواستم، چنین تعبیر کنم کتابی که از روی نسخ چاپی تدوین شده باشد، ارزشی ندارد. کار کسی که این همه زحمت کشیده، همه‌ی این‌ها را خوانده استخراج کرده و یک جا این نسخ را معرفی کرده و آن را جانشین ۲۱ جلد کتاب کرده ارزش فوق‌العاده‌ای دارد. کسی که خودش ۲۱ جلد کتاب را خریده و برای یک شعر باید ۲۱ بار آن صفحه، آن غزل را نگاه کند، یک بار تکلیفش روشن می‌شود. اما من این جوری اظهار نظر نمی‌کنم.

من از سی و چند سال استادی، ۲۴ سال استاد روش تحقیق بودم. روش تحقیق این نیست که انسان چشم بسته اظهار نظر کند. با وجود این می‌خواهم اصلاح، تقدیر و تمجید کنم، از کار آقای شجاعی که زحمت زیادی کشیده‌اند؛ اما من می‌گویم، باید از روی نسخه‌های خطی کار کنیم که سند ما هستند.

آتش آن نیست که از شعله‌ی او خندد شمع آتش آن است که در خرمن پروانه زدند
دکتر نائینی: عرض بنده این است که هر چه حافظ چاپ شود و مردم در داخل و خارج بخوانند، خیلی هم خوشحال می‌شویم، اما چیزی که باید رعایت شود، این است که هر کسی که در زمینه‌ی حافظ کار می‌کند، باید مأخذش با آن چه می‌گوید، همراه باشد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید به

این نکته توجه کند، کسانی که درباره‌ی حافظ می‌نویسند، باید مأخذش را در اول و آخر کتاب بگویند که معلوم بشود از کجا این‌ها را استخراج کرده‌اند، اما هر چه حافظ چاپ بشود و مردم بخوانند، زبان فارسی قوی‌تر می‌شود اگر زبان روزنامه‌نویسی این گونه جلو برود، پس از چندین سال زبان اصیل فارسی را دیگر کسی نخواهد دانست و دیگر کسی حافظ را نمی‌خواند و سعدی را نمی‌فهمد، برای این که زبان عوض شده است. ما باید کاری بکنیم که این زبانی را که ده قرن وجود دارد، نگه داریم. هر زبانی نیازمند زبان دیگر است هیچ زبانی نیست که تمام واژه‌هایش متعلق به خودش باشد. در زبان انگلیسی می‌بینید که ۷۰۰-۶۰۰ کلمه اصیل است و بقیه را از لاتین، فرانسه و آلمان گرفته‌اند. این است که اگر زبان فارسی نیاز داشته است از عربی استفاده کند و بسیاری از این گونه کلمه‌های عربی که استعاره گرفته شده است. الان در عربی معنایی دارد که در زبان فارسی به معنای دیگری است. برای نمونه، «اگر بگویم ریش بنده کثیف است» این واژه‌ی «کثیف» به معنای «ناپاک» است، اما در عربی یعنی «پر پشت». جنگل کثیف یعنی جنگل انبوه. بنابراین، ما باید زبانی که زبان سعدی و حافظ و فردوسی و دیگر شعرای بزرگ است را حفظ کنیم تا روز به روز قوی‌تر شود.

دکتر حسن‌لی: آخرین نشست علمی پنجمین مراسم یادروز حافظ اینجا به پایان می‌رسد و من از همه‌ی استادان عزیزی که در این نشست شرکت داشتند و ما را از نظرات ارزشمندشان بهره‌مند کردند، متشکر و ممنونم.

ان شالله مرکز حافظ‌شناسی بتواند در پی طرحی که دارد و با نظرخواهی از حافظ‌شناسان معاصر و با استفاده از نسخه‌های خطی و صحیح معتبر و آن هم البته با همت و حمایت دکتر نیسانی عملی خواهد شد، بتواند به نسخه‌ای که در حقیقت بیشترین پذیرش را در جامعه داشته، برسد و آرزو می‌کنم آن روز خیلی دور نباشد.